

اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران *

دکتر منوچهر توسلی نائینی **

چکیده

امروزه حضور اتباع خارجی در ایران و همچنین حضور ایرانیان بسیاری در خارج از کشور و ازدواج اتباع ایرانی و غیر ایرانی، رعایت اصل وحدت در تابعیت زوجین در قانون مدنی را با چالش‌هایی رو به رو کرده و اجرای اصل تعدد تابعیت را در بعضی موارد موجه ساخته است. از یک طرف، قانونگذار ایرانی برای جلوگیری از دو تابعیتی و یا بدون تابعیت شدن زنان ایرانی، چنانچه قوانین متبوع شوهر، تابعیت مرد در حین ازدواج را بر زن تحمیل نماید، سلب تابعیت زن ایرانی را پذیرفته است. در این حالت، تغییر تابعیت زنان ایرانی تا حدودی با اصل ۴۱ قانون اساسی مغایر به نظر می‌رسد؛ چرا که آزادی تغییر تابعیت محدود شده است. از طرف دیگر، زنان خارجی در صورت ازدواج با مردان ایرانی به تابعیت ایران در خواهند آمد. در این جا نیز، اعطای تابعیت قطعی و حمایت سیاسی دولت ایران به کسانی که علاقه‌مندی آنان به ایران مورد شناسایی قرار نگرفته و شرط لیاقت آنان بررسی نشده است، تا حدی غیر منطقی و با اصل ۴۲ قانون اساسی مغایر به نظر می‌رسد. در این مقاله ضمن بررسی علل رویکرد قانونگذار ایرانی به اصل وحدت تابعیت در خانواده، چگونگی اجرای این اصل در موارد متفاوت، به مشکلات عملی اجرای این اصل برای شهروندان ایرانی و دولت ایران اشاره گردیده و بعضی راهکارها از جمله اجرای اصل تعدد تابعیت در خانواده نیز پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: تابعیت، خانواده، ازدواج، وحدت تابعیت، تابعیت مضاعف، استقلال تابعیت.

مقدمه

بر اساس اصل دهم ق.ا.ج.ا.ا: "خانواده^۱ واحد بنیادی جامعه اسلامی است و همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد". وجود این اصل گویای این واقعیت است که نویسندگان قانون اساسی به خانواده به عنوان اولین کانون بنیادی جامعه توجه ویژه‌ای داشته‌اند. بنابراین کلیه قوانین و مقررات کشور از جمله قوانین مدنی باید به گونه‌ای تدوین شوند که در جهت تقویت خانواده و پاسداری از قداست آن گام بردارند. در این جهت قانون مدنی ایران با قبول اصل وحدت تابعیت در خانواده، تمامی قواعد خود را در این رابطه تنظیم نموده است.

امروزه یکی از مسائل مهم حقوق بین‌الملل خصوصی، موضوع ازدواج زن و مرد تبعه کشورهای مختلف است. برطبق نظریه رایج در بین علمای حقوق، برای تقویت خانواده به عنوان اولین کانون بنیادی جامعه باید یک تابعیت بر روابط زوجین حاکم باشد و بهتر است که زن تابعیت شوهر را کسب نماید. این نظریه تحت عنوان اصل وحدت تابعیت زوجین مورد قبول بسیاری از دولت‌ها از جمله ایران قرار گرفته است. حال با توجه به حضور ایرانیان بسیاری در خارج از کشور و در مقابل، حضور خارجیان بسیاری در ایران و امکان ازدواج اتباع ایرانی با اتباع خارجی و بالعکس در ایران و در خارج از کشور، این سؤال مطرح می‌شود که آیا اصل وحدت تابعیت زوجین پذیرفته شده در حقوق ایران به صورت فعلی با دو اصل ۴۱ و ۴۲ ق.ا. و تحولات جدید در زمینه حقوق زن هماهنگی دارد، یا این که نیاز است که مواردی از آن بازنگری و اصلاح شوند و اصل تعددتابعیت مورد قبول قرار گیرد. برای پاسخ به این سوالات پس از ارائه توضیحاتی در زمینه علل تغییر تابعیت زن بر اثر ازدواج می‌توان موضوع را در دو صورت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی و ازدواج زنان خارجی با اتباع ایرانی مورد مطالعه قرار داد.

۱. خانواده در این تحقیق به معنای محدود آن، نهاد اولیه‌ای است که با عقد ازدواج مرد و زن به وجود می‌آید. بنابر این موضوع تابعیت فرزندان مورد بحث نمی‌باشد.

۱- دلایل تغییر تابعیت زن بر اثر ازدواج

اصل وحدت تابعیت زوجین از جمله اصولی است که در قوانین بسیاری از کشورها مورد قبول قرار گرفته است. اگر ازدواج را یکی از روابط دوجانبه اتباع دو کشور در نظر بگیریم، در عمل، امکان اجرای دو قانون ملی در روابط خانوادگی و زناشویی زوجین امکان پذیر نیست و همکاری و اتحاد معنوی آن‌ها با اختلاف تابعیت سازگاری ندارد^۱. بنابراین عملاً آثار ازدواج در روابط زن و شوهر دارای دو تابعیت متفاوت باید براساس یک قانون ملی تنظیم شود و در بهترین حالت زن باید تابعیت شوهر خود را کسب نماید. از این نظر، برای ایجاد وحدت تابعیت در خانواده، زن با پذیرش عقد ازدواج، یکی از آثار قانونی آن یعنی تغییر و تحمیل تابعیت شوهر را می‌پذیرد، مگر آن که تابعیت شوهر به وی تحمیل نشود و وی در حفظ تابعیت اصلی و یا اخذ تابعیت شوهر باشد. به هر حال، چنین تغییر تابعیتی براساس اراده طرفین شکل نمی‌گیرد، بلکه براساس یک ضرورت اجتماعی، قانونگذار جهت تحکیم اصل وحدت خانواده و بویژه وحدت تابعیت در کانون خانواده آن را قبول کرده است. به نظر می‌رسد که اصل وحدت تابعیت زوجین که یکی از عوامل تحکیم خانواده به شمار می‌رود؛ امری پذیرفته شده است؛ اما روند تحولات حقوق بین‌الملل خصوصی، بویژه بعد از کنگره اسلو موسسه حقوق بین‌الملل در ۱۹۳۲ به این سو حرکت می‌کند که تسری تابعیت یکی از همسرها به دیگری نباید تحمیلی باشد، مگر با رضایت او. به عبارت دیگر: وحدت تابعیت زوجین با رضایت آنان تحقق پذیرد. به همین دلیل اصل استقلال تابعیت زنان پس از ازدواج در بسیاری از کشورها مورد قبول قرار گرفته، مگر آن که خود زن به اصل وحدت تابعیت با شوهر تمایل داشته باشد. در همین جهت، ماده نهم کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوبه ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹؛ ۲۷ آذر ۱۳۵۸^۲ مقرر می‌دارد که "دولت‌های عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در زمینه کسب، تغییر و یا حفظ تابعیت اعطا خواهند کرد. دولت‌ها بویژه تضمین و اطمینان خواهند داد که ازدواج (زن با مرد خارجی) تغییر تابعیت شوهر در طی دوران ازدواج، خودبه خود موجب تغییر تابعیت، عدم

۱. البته این امر فقط در کشورهایی صدق می‌کند که قانون ملی را بر احوال شخصیه حاکم می‌دانند و در کشورهایی که احوال شخصیه را تابع قانون اقامتگاه می‌دانند، احوال شخصیه زوجین با تابعیت‌های متفاوت تابع قانون اقامتگاه مشترک خواهد بود.

۲. این کنوانسیون از سال ۱۹۸۱ لازم‌الاجرا شده است. ایران جزو کشورهایی است که به این کنوانسیون نپیوسته است. رک: عبادی، شیرین؛ حقوق زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳.

تابعیت یا تحمیل تابعیت شوهر به زن نخواهد شد".

با توجه به مراتب فوق، قانونگذار ایرانی در قانون مدنی تغییر تابعیت زن بر اثر ازدواج را به رسمیت شناخته است؛ لیکن همین قانونگذار براساس ازدواج زن تبعه ایران با مرد خارجی و بالعکس و در جهت رعایت حقوق شهروندان ایرانی، روش‌های متفاوتی را اتخاذ نموده است.

۲- تغییر تابعیت زن ایرانی بر اثر ازدواج با مرد خارجی

در حال حاضر، بسیاری از زنان ایرانی در داخل کشور با مردانی از اتباع خارجی ازدواج کرده‌اند. با توجه به مقررات قانون مدنی ایران که بر مبنای شریعت اسلام تدوین گردیده است ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی صرفاً در دو حالت امکان‌پذیر است: حالت اول، ازدواج زن ایرانی مسلمان با مرد مسلمان غیر ایرانی است و حالت دوم، ازدواج زن غیر مسلمان ایرانی با مرد غیر مسلمان تبعه خارجی. این دو حالت از مفهوم مخالف ماده ۱۰۵۹ ق.م. به دست می‌آید که بر اساس آن "نکاح مسلمه با غیر مسلم" جایز شناخته نشده است. بنابراین در اولین بررسی ازدواج اتباع ایرانی با اتباع خارجی باید توجه داشت که هرگونه ازدواجی خارج از چارچوب فوق، باطل و بلا اثر است. سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که چگونه اجرای ماده ۱۰۵۹ قانون مذکور آیا در داخل و خارج از کشور یکسان است یا خیر؟ در جواب می‌توان گفت که در حقوق و روابط داخلی، امکان ازدواج مسلمه با غیر مسلم وجود ندارد و هیچ مرجع صلاحیتداری چنین ازدواجی را تأیید و ثبت نخواهد کرد؛ اما بعضی مواقع در خارج از کشور مشکلاتی بروز می‌کنند. هم اکنون مواردی وجود دارند که بعضی زنان مسلمان ایرانی با اتباع غیر مسلمان خارجی به دلیل عدم آگاهی از قاعده مذکور در ماده ۱۰۵۹ ق.م. ازدواج نموده‌اند و چنین ازدواجی بر طبق قانون محل اقامت آنان بدون اشکال بوده است.

در این زمینه می‌توان از ماده ۶ ق.م. به عنوان مکمل ماده ۱۰۵۹ این قانون استفاده نمود. بر طبق ماده ۶ ق.م. "قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو این که مقیم در خارج باشند مجری خواهد بود". بنابراین، ازدواج افراد اخیر الذکر برغم این که در کشور محل اقامت بلا اشکال است و در آن کشور از حقوق زناشویی برخوردار می‌باشند، با توجه به این که ماده ۱۰۵۹ ق.م. در مورد آنان رعایت نگردیده، باطل و بلا اثر است (خصوصاً در کشورهایی که احوال شخصیه را تابع قانون اقامتگاه می‌دانند). لذا در صورت حضور زوجین فوق الذکر در ایران به دلیل باطل بودن ازدواج، تقاضای

اجرای آثار ازدواج و مزایای مربوطه در مورد آنان پذیرفته نخواهد شد.^۱ برای پیشگیری از بروز چنین مشکلی بهتر است وزارت امور خارجه و سایر ارگان‌های ذیربط، قبل از خروج از کشور و حتی در خارج از کشور با اطلاع رسانی کامل، اتباع ایرانی را از حقوق و تکالیف خود بویژه مقررات ق.م راجع به ازدواج آگاه نموده و آن‌ها را توجیه نمایند که برای انجام دادن کلیه امور حقوقی مرتبط با ایران به کنسولگری‌های ایران واقع در کشور خارجی مراجعه نمایند و با اطلاع کامل از قوانین ایران، اعمال حقوقی خود همچون ازدواج را انجام دهند. توضیح این نکته لازم است که کنسولگری، امور اداری اتباع ایرانی در خارج از کشور را برعهده دارد و امکان اجرای عقد ازدواج و ثبت آن در محل کنسولگری ایران در کشور خارجی وجود دارد. بنابراین اگر طرفین، هر دو ایرانی مقیم خارج از کشور باشند، می‌توانند برای ازدواج به کنسولگری ایران در کشور خارجی مراجعه نمایند و ازدواج آن‌ها در دفاتر محل احوال ثبت خواهد گردید (با استفاده از ماده ۹۷۰ ق.م).

البته بعضی مواقع استناد به ماده ۶ ق.م برای ابطال ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان در خارج از کشور کارایی ندارد و آن موقعی است که زن مسلمان ایرانی با رعایت کلیه موازین قانونی، تابعیت ایران را ترک نموده، تابعیت کشور دیگری را کسب نماید و در آن کشور با مردی غیرمسلمان ازدواج نماید. در این حالت زن با انتخاب متقابلانه، صلاحیت یک حوزه قانونی که استفاده از آن به اجرای قانون مادی پر منفعت‌تر برای وی منجر می‌شود و قانون صالح را در مورد وی اعمال نمی‌نماید، مرتکب تقلب نسبت به قانون می‌شود (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۲). در چنین حالتی اگر زن مذکور با عنوان تبعه خارجی به ایران سفر کند، ازدواج وی از لحاظ مقررات قانونی ایران خدشه پذیر نیست؛ زیرا وی براساس قوانین کشور متبوع خود ازدواج نموده است؛ لیکن اگر ثابت شود که زن ایرانی با قصد تقلب نسبت به قانون ایران^۲ و فرار از

۱. تنها راه حلی که برای این افراد می‌توان در نظر گرفت این است که مرد خارجی غیر مسلمان چه در خارج از کشور و یا در قلمرو ایران با تشرف به اسلام تقاضای ازدواج شرعی نماید که در صورت موافقت زن و اجرای صیغه نکاح، رابطه زوجیت آنان مورد قبول قانون ایران قرار خواهد گرفت.

۲. در قوانین ایران می‌توان به مواردی اشاره نمود که قانونگذار برای جلوگیری از تقلب، نسبت به قانون به عنوان ضمانت اجرای جلوگیری از تقلب این موارد را غیر قابل استناد شمرده است؛ برای مثال می‌توان به مواد ۹۴۴-۹۴۵-۸۴۳-۱۳۲ ق.م و ماده ۲۴ قانون مالک و مستاجر ۱۳۳۹ اشاره نمود. ر.ک به ارفع‌نیا، بهشید "حقوق بین‌الملل خصوصی"، جلد دوم، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۰۴-۱۰۶. به نظر بعضی نویسندگان به جز در اصل ۴۰ قانون اساسی که می‌توان به عنوان ضمانت اجرای تقلب نسبت به قانون از آن استفاده کرد، در سایر

مقررات ماده ۱۰۵۹ ق.م و با قصد قبلی ازدواج با یک فرد غیر مسلمان خارجی، تابعیت ایران را ترک نموده، تابعیت کشور دیگری را کسب نماید، به نظر می‌رسد قاضی ایرانی می‌تواند (با توجه به این که راه حل دیگری برای رعایت ماده ۱۰۵۹ به عنوان یک قاعده آمره ندارد)، با استناد به قاعدهٔ تقلب نسبت به قانون، ازدواج وی را باطل اعلام نموده، وی را همسر شوهر خارجی او شناساند^۱ (پروین، ۱۳۷۹، ص ۹۰). در این جا قاضی ممکن است از طریق توالی حوادث و وقایع و انجام اعمال حقوقی و بویژه بازگشت به کشور در مدتی کوتاه وقوع چنین تقلبی را احراز نماید. نتیجهٔ این تقلب آن است که ازدواج این زن از نظر حقوق ایران به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ اما ظاهراً تابعیت خارجی وی معتبر خواهد ماند؛ چرا که هیچ کشوری نمی‌تواند در امور حاکمیتی کشور دیگر از جمله اعطای تابعیت دخالت نموده، آن را باطل اعلام نماید^۲ (ارفع‌نیا، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹-۱۰۸).

در این جا ممکن است سوال دیگری مطرح شود: با فرض این که اگر ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی منطبق با ماده ۱۰۵۹ ق.م منعقد شود و زن مسلمان با مرد مسلمان و زن غیر مسلمان با مرد غیر مسلمان بخواهد ازدواج کند، آیا در چنین مواردی ازدواج آن‌ها بدون هیچ قید و شرطی از لحاظ قوانین تابعیت انجام خواهد شد یا مقررات ویژه‌ای در این مورد وجود دارد؟ در جواب باید گفت که ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی در مواردی که منع قانونی نیز ندارد، موکول به اجازهٔ مخصوص از طرف دولت است (ماده ۱۰۶۰ ق.م). دلیل پیش‌بینی چنین اجازه‌ای بیش‌تر به جهت رعایت منافع سیاسی و حمایت از حقوق زنان ایرانی بویژه در مواردی است که تابعیت کشور متبوع شوهر بر زن تحمیل می‌شود. بنابراین لازم است که زوج از لحاظ

موارد ماده صریحی وجود ندارد و مواد ۱۲۲-۱۳۹-۹۴۴-۹۴۵ ق.م نیز صرفاً بر مبنای قاعده لاضرر قابل استناد می‌باشند. رک به پروین، فرهاد، تقلب نسبت به قانون و دادگاه و تعارض قوانین، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، سال اول و دوم، شماره دوم و سوم، پائیز و زمستان، ۱۳۷۹، ص ۹۰.

۱. در این مورد گر چه رویه قضایی وجود ندارد؛ برای احترام به قواعد آمره کشور از جمله قواعد حقوق خانواده، رعایت قاعده تقلب نسبت به قانون در کشور ما نیز الزامی به نظر می‌رسد. البته بعضی نویسندگان معتقدند که در این مورد باید اصل را بر صحت و عدم تقلب گذاشت و استناد کننده به تقلب باید قصد متقلبان را اثبات کند.
۲. در این مورد می‌توان به رای دیوان کشور فرانسه در ۱۸۷۸ در قضیه دوبورمون اشاره کرد که در آن دیوان اخیر الذکر طلاق خانم دوبورمون تبعه فرانسه را پس از ترک تابعیت فرانسه و کسب تابعیت آلمانی و ازدواج مجدد وی را باطل دانست؛ لیکن تابعیت آلمانی وی را باطل اعلام نکرد؛ زیرا تحصیل تابعیت را امری مربوط به حاکمیت آلمان دانست که دادگاه فرانسه حق دخالت در آن را ندارد.

شرایط سکونت، وضعیت مالی و پیشینه کیفری مدارک لازم را ارائه دهد تا دولت بر اساس این مدارک اجازه ازدواج را صادر نماید.

بر اساس قوانین و مقررات فعلی، مرجعی که به این امور رسیدگی می‌کند، وزارت کشور است. بر اساس مصوبه هیأت وزیران در سال ۴۵، وزارت کشور در صورتی پروانه اجازه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع خارجی را صادر می‌نماید که اولاً: مدارک لازم از طرف متقاضی به وزارت کشور تقدیم شود. ثانیاً: مراجع رسمی کشور با بررسی مدارک، بلامانع بودن ازدواج زن ایرانی و مرد تبعه کشور خارجی و رسمیت ازدواج را اعلام نمایند. در صورتی که تهیه چنین گواهینامه‌ای مقدور نباشد، وزارت کشور با رضایت زن، پروانه ازدواج را صادر خواهد نمود. البته اگر زن، مسلمان و مرد غیرمسلمان باشد، برای صدور پروانه ازدواج، گواهی تشریف مرد به دین اسلام باید ارائه شود (محمدنبی، ۱۳۸۲، ص ۳۹-۴۰).

بر طبق قانون مذکور، مرد تبعه خارجی در صورت تقاضای ازدواج با زن ایرانی باید مدارک مجرد یا تاهل خود را از مراجع رسمی محلی یا ماموران سیاسی کشور متبوع خود اخذ نماید و آن‌ها را به وزارت کشور ارائه دهد. در زمینه وضعیت مالی، مرد باید متعهد شود که هزینه و نفقه زن و اولاد و هرگونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا می‌کند و در صورت بدرفتاری یا ترک خانواده و طلاق به وی پرداخت کند. برای انجام دادن این امر، وزارت کشور می‌تواند در صورت مصلحت از مرد تضمین مناسب اخذ نماید. این اختیار وزارت کشور برای صدور پروانه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع غیر ایرانی، به استانداری‌ها و فرمانداری‌های مناطق مختلف کشور قابل تفویض می‌باشد. باید اشاره نمود که قانون ایران برای مردان خارجی که با زنان ایرانی مزاجت کرده‌اند و ازدواج آن‌ها فاقد پروانه زناشویی هست، مجازاتی در نظر گرفته است. این مجازات از یک سال تا سه سال زندان است (ماده ۱۷ قانون ازدواج، مصوب ۲۳ مرداد ۱۳۱۰). مضافاً این که برای زنان ایرانی فاقد پروانه زناشویی امکان صدور حکم طلاق از شوهر نیز وجود ندارد؛ چون ازدواج از سوی مقامات رسمی مورد تأیید واقع نشده است.

بعد از فراغت از مبحث ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان و اجازه مخصوص دولت برای ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، به نظر می‌رسد که قوانین ایران در زمینه ازدواج زن ایرانی با مرد تبعه خارجی، در صورت عدم تحمیل تابعیت شوهر برسیستم استقلال تابعیت تاکید بیش‌تری دارند؛ زیرا بر اساس ماده ۹۸۷ ق.م.، زن ایرانی به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر این که مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود. پذیرش چنین سیستمی گویای نگرانی قانونگذار ایرانی از دو تابعیتی شدن یا بدون تابعیت شدن زنان ایرانی است. در زمینه سیستم استقلال تابعیت زنان ایرانی دو حالت

متفاوت پیش بینی شده است: حالت اول، ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی است که قانون دولت متبوع وی تابعیت شوهر را به واسطه وقوع عقد ازدواج به زن تحمیل کند و حالت دوم، ازدواج زن ایرانی با مرد تبعه خارجی است که قانون دولت متبوع وی تابعیت شوهر را به واسطه عقد ازدواج به زن تحمیل نکند. بر اساس حالت اول، اگر زن اجازه مخصوص دولت در رابطه با ازدواج داشته باشد، تابعیت ایرانی خود را از دست خواهد داد و به تابعیت کشور متبوع شوهر خود در خواهد آمد. در این جا قوانین تابعیت ایران، اصل وحدت تابعیت خانواده را با تغییر تابعیت زن ایرانی بر اثر ازدواج با مرد خارجی و در صورت تحمیل تابعیت شوهر بر اثر ازدواج پذیرفته‌اند.

در حالت دوم و بر اساس تبصره ۱ ماده ۹۸۷ ق.م. چنانچه قوانین کشور متبوع شوهر بر اثر عقد ازدواج، تابعیت آن کشور را بر زن ایرانی تحمیل ننماید و وی را در انتخاب تابعیت اصلی و تابعیت شوهر مخیر کنند، زن می‌تواند در صورت تمایل به کسب تابعیت شوهر با ارائه دلایل موجه و مدلل تقاضای اخذ این تابعیت را ارائه دهد. در این مورد پس از ارائه تقاضا نامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای وی موافقت شود. در حالت اخیر زن در وضعیتی قرار دارد که با علم و آگاهی کامل، تابعیت خود را تغییر می‌دهد. به نظر می‌رسد این رویه برای جلوگیری از بدون تابعیت شدن زنان ایرانی و رعایت حقوق شهروندی آنان اتخاذ شده است.

به طور کلی در زمینه ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی قانونگذار ایرانی، اصل وحدت تابعیت زوجین را پذیرفته و زنان ایرانی را در وضعیت‌های متفاوت مورد حمایت قرار داده است؛ اما بسیاری از مشکلاتی که ممکن است قانون خانواده را در برگیرد به دلیل ناآگاهی زنان ایرانی از قوانین و مقررات کشور متبوع آنهاست. به همین منظور در داخل کشور، برای ازدواج با اتباع خارجی اجازه مخصوص دولت پیش بینی شده است و در خارج از کشور نیز رجوع به کنسولگری‌های ایران و اخذ مجوز از آنها می‌تواند تا حد زیادی مشکلات زنان ایرانی مزدوج در خارج از کشور را کاهش دهد. زنان ایرانی در خارج و داخل کشور باید توجه داشته باشند که با وقوع عقد ازدواج و در صورت تحمیل تابعیت شوهر بر همسر ایرانی و با اخذ تابعیت شوهر، از حمایت سیاسی دولت ایران و نیز فرزندان آنها از داشتن شناسنامه ایرانی محروم خواهند شد؛ چرا که بر اساس سیستم خون ایران، فرزندان تابعیت پدر را اخذ خواهد کرد. لذا اجرای اصل وحدت تابعیت پیش بینی شده در ق.م. (که به علت مخالفت قانونگذار با تابعیت مضاعف به وجود آمده است)، در مورد زنان ایرانی که با مردان خارجی ازدواج می‌کنند (در شرایط فعلی و بویژه ازدواج تعداد کثیری از زنان ایرانی با مردان افغانی) آثار منفی خود را نشان داده است. لذا به نظر می‌رسد برای حمایت از این زنان با حفظ تابعیت ایرانی آنان بر اصل تعدد تابعیت بر

خانواده تاکید نمود، مگر آن که خود زن به تغییر تابعیت ایرانی خود متمایل باشد. باید توجه داشته باشیم که با تدوین اصل ۴۱ ق.ا.ج.ا، که تغییر تابعیت تحمیلی را در مورد ایرانیان مردود شناخته است، تحمیل تابعیت شوهر خارجی به همسر ایرانی وی، تا حدی با این اصل مغایر به نظر می‌رسد. در این جا قانونگذار برای رفع مشکل تابعیت مضاعف، حاکمیت خود را محدود کرده و با صرف اعلام پذیرش دولت خارجی در مورد تحمیل تابعیت به زن ایرانی، تابعیت ایرانی را از او سلب نموده است؛ در حالی که بعضی کشورها از جمله فرانسه برای حفظ حقوق زن تبعه، تابعیت او را پس از ازدواج با مرد خارجی مورد قبول قرار داده‌اند (نصیری، ۱۳۷۸، ص ۶۴).

یکی از مشکلات مربوط به اجرای ق.م، در رابطه با ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی ازدواج‌های ثبت نشده یا بدون مجوز وزارت کشور است (معتمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۹-۲۹۸). این زنان که اکثر آنان با مردان افغانی ازدواج نموده‌اند، بر طبق قانون افغانستان به تابعیت این دولت در آمده‌اند و به دلیل پذیرش این تحمیل تابعیت از جانب ایران، فرزندان آنان افغانی محسوب شده، از داشتن شناسنامه ایرانی محروم می‌باشند؛^۱ در حالی که بعضی زنان از چنین تحمیل تابعیتی بی‌خبر بوده‌اند. به علاوه، با این تغییر تابعیت، زنان به انتقال اموال غیر منقول خود به اتباع ایرانی مکلف می‌باشند.^۲ این محدودیت به این دلیل است که زنان مذکور نسبت به جامعه ایرانی پس از تحمیل تابعیت بیگانه محسوب می‌شوند (سلجوقی، ۱۳۸۰، ص ۹۸). به هر حال باید برای این زنان راه حلی جست و جو کرد که پاسخگوی نیازهای حقوقی آنان باشد و شاید به همین دلایل است که قوه قضائیه به پیشنهاد وزارت امور خارجه با تدوین لایحه تابعیت نسبت یافتن راهکارهایی برای این موارد تلاش می‌کند.

۱. بند ۵ ماده ۹۷۶ ق.م پیش‌بینی می‌کند: "کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به‌وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند، والا قبول شدن آن‌ها به تابعیت ایران برطبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است". بنابراین اطفال مذکور زمانی ایرانی محسوب می‌شوند که تا هیجده سالگی در ایران بمانند و یک سال دیگر بعد از رسیدن به هیجده سال تمام در ایران اقامت داشته باشند.

۲. قانون مدنی ایران در تبصره ۲ ماده ۹۸۷ اشاره دارد که: "زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیر منقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند. تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارت خانه‌های امور خارجه کشور و اطلاعات است".

۳- تغییر تابعیت زن خارجی بر اثر ازدواج با مرد ایرانی

در قوانین و مقررات ایران در روابط زوجین ریاست خانواده، از خصایص شوهر شناخته شده است (ماده ۱۱۰۵ ق.م). بنابراین قانونگذار ضمن تأکید بر اصل وحدت خانواده، برای حل بسیاری از مشکلات احتمالی، ریاست شوهر را در خانواده مورد پذیرش قرار داده است. تاثیر این رویه بر ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی نیز غیرقابل انکار است. بر اساس بند ۶ ماده ۹۷۶ ق.م، زن خارجی به محض وقوع عقد ازدواج با مرد ایرانی، طبعاً به تابعیت ایران در خواهد آمد. در این جا قانونگذار به دلیل آن که در روابط زوجین ریاست خانواده را از خصایص شوهر دانسته (ماده ۱۱۰۵ ق.م) و با توجه به این که مردان ایرانی در داخل و خارج از کشور در صورت ازدواج با اتباع خارجی با مشکلات کم‌تری نسبت به زنان ایرانی در وضعیت مشابه قرار دارند، سیستم وحدت تابعیت را پذیرفته است. در این جا بر خلاف ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در تمامی موارد اصل وحدت تابعیت زوجین اجرا می‌شود؛ در حالی که در مورد زنان ایرانی اصل وحدت تابعیت فقط در صورت تحمیل تابعیت شوهر اجرا خواهد شد. بنابراین اگر مردان ایرانی چه در ایران و چه در خارج از کشور با زنان خارجی ازدواج کنند، در صورت ثبت ازدواج، همسران آن‌ها ایرانی محسوب شده، مکلفند برای آنان شناسنامه و گذرنامه ایرانی اخذ نمایند. چنین تابعیتی قطعی و خدشه ناپذیر است؛ چرا که اگر مرد ایرانی بعداً تابعیت ایران را ترک نموده، تابعیت کشور دیگری را اخذ نماید، همسر وی ایرانی باقی خواهد ماند (با استفاده از ماده ۹۸۶ ق.م)، مگر آن که اجازه ترک تابعیت شامل زن نیز شود (عامری، ۱۳۶۲، ص ۶۱).

در زمینه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی، ظاهراً اجازه مخصوص دولت ایران لازم نیست؛ اما در ماده ۱۰۶۱ ق.م پیش بینی شده است که دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مامورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجی باشد، به اجازه مخصوص موکول نماید. در توجیه این عدم نیاز به اجازه مخصوص برای همه مردان ایرانی مزدوج با اتباع خارجی می‌توان گفت که زنان خارجی با ازدواج خود با مردان ایرانی به تابعیت ایران درآمده، زوجین نهایتاً مشمول و تابع مقررات ایران خواهند بود؛ لذا ضرورتی برای اجازه مخصوص وجود ندارد.

بعضی مواقع ممکن است کشور متبوع زن (مانند فرانسه) تحمیل تابعیت به زن بر اثر ازدواج را نپذیرد (نصیری، ۱۳۷۸، ص ۶۴). در این حالت، زن تبعه خارجی پس از ازدواج با مرد ایرانی

در صورتی که تابعیت اولیه خود را ترک ننماید، دارای تابعیت مضاعف خواهد شد^۱ (سلجوقی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۷). وجود چنین تابعیت دوگانه‌ای ممکن است اصل وحدت تابعیت در خانواده را با مشکلاتی رو به رو سازد؛ اما قانونگذار ایرانی برای چنین مواردی نیز راه‌حلهایی را در نظر گرفته است. برای مثال، چنانچه راجع به آثار عقد ازدواج فوق‌دعوائی در محاکم ایران اقامه شود، قاضی ایرانی می‌تواند بر اساس این که یکی از تابعیت‌های زن، تابعیت ایرانی است این دعوا را تابع قوانین ایران دانسته، حکم خود را صادر کند، یا این که قاضی می‌تواند بر اساس ماده ۹۶۳ ق.م. حتی اگر زوجین تبعه در کشور مختلف باشند، روابط شخصی و مالی آن‌ها را تابع قانون متبوع شوهر یعنی قانون ایران بداند.^۲ البته بعضی نویسندگان معتقدند که در این موارد نسبت به ترجیح قانون ملی یکی از زوجین دلیلی وجود ندارد، بهتر است از قانون اقامتگاه مشترک زوجین استفاده نماید و در صورت فقدان اقامتگاه مشترک، قانون مقر دادگاه اجرا گردد^۳ (الماسی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۵). برای مثال فرانسه در دعوی زوجین دارای تابعیت متعدد به جای اولویت قانون متبوع زوج بر قانون متبوع زوجه، قانون اقامتگاه مشترک زوجین را ملاک قرار می‌دهد. بنابراین، دادگاه‌های فرانسه، اگر اقامتگاه مشترک زوجین در ایران باشد، قانون ایران و چنانچه در کشور دیگری باشد، قانون آن کشور را حاکم بر دعوا می‌دانند.

در مجموع به نظر می‌رسد که اصل وحدت تابعیت زوجین، در خصوص مردان ایرانی که با زنان خارجی ازدواج می‌کنند، بصراحت در قانون مدنی ایران مورد قبول قرار گرفته است؛ لیکن در وضعیت فعلی با افزایش ناخواسته تعداد اتباع ایرانی به دلیل ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی، دولت ایران وظیفه حمایت سیاسی آنان را به عهده دارد؛ در حالی که علاقه‌مندی چنین افرادی به ایران و شرط لیاقت آنان محرز نیست. لذا به نظر می‌رسد چنین تحمیل تابعیتی بدون رعایت شرایط لازم برای پذیرش به تابعیت ایران، بعضی مواقع آثار منفی انکار ناپذیر را به دنبال دارد. به علاوه، این تحمیل تابعیت تا حدی با اصل ۴۲ ق.ا.ج.ا، در مورد

۱. دکتر سلجوقی به این امر اشاره دارد که ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی می‌تواند وی را دو تابعیتی کند؛ اما قانونگذار ایرانی برای رعایت اصل وحدت تابعیت در خانواده‌های ایرانی، تحمیل تابعیت بر زنان خارجی متزوج با اتباع ایرانی را پذیرفته است.

۲. البته قانون ایران در مورد زنان ایرانی متزوج با اتباع خارجی که قانون متبوع شوهر تابعیت را بر زن ایرانی تحمیل نمی‌کند؛ نیز در روابط شخصی و مالی را به قانون متبوع زوج داده است (ماده ۹۶۳ قانون مدنی).

۳. دکتر الماسی معتقد است که اجرای قانون زوج بهترین روش است. زیرا اجرای قانون محل اقامت یا محل توقف افراد جز ایجاد تزلزل و عدم ثبات در احوال شخصیه زوجین نتیجه دیگری ندارد.

اختیاری بودن کسب تابعیت ایران مغایر است. لذا اجرای اصل تعدد تابعیت با توجه به این که روابط مالی و شخصی زوجین از نظر قانون ایران تابع قانون متبوع زوج، یعنی ایران خواهد بود، موجه به نظر می‌رسد. به همین دلیل قوه قضائیه در لایحه خود راجع به قانون تابعیت بنا دارد به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت زنان خارجی پس از ازدواج با مردان ایرانی را اختیاری کند. در این صورت، زن خارجی پس از ازدواج با مرد ایرانی به تابعیت خود باقی خواهد ماند، مگر آن که زن درخواست تابعیت ایرانی داشته باشد.^۱

نتیجه

بر اساس اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل خصوصی برای ایجاد وحدت در کانون خانواده، وجود تابعیت یکسان برای زوجین امری بدیهی تلقی می‌شود. حضور اتباع خارجی فراوانی در ایران و همچنین حضور ایرانیان بسیاری در خارج از کشور و ازدواج اتباع ایرانی و غیر ایرانی موضوع وحدت در تابعیت زوجین را در حقوق ایران با چالش‌های جدیدی رو به رو ساخته و اجرای اصل تعدد تابعیت را در مواردی موجه ساخته است. قانونگذار ایرانی در برخورد با اصل وحدت تابعیت زوجین، دو رویه اتخاذ نموده است. چنانچه قوانین متبوع شوهر، تابعیت مرد در حین ازدواج را بر زن ایرانی تحمیل نماید، این زن تابعیت اولیه خود را از دست خواهد داد. در این حالت، تغییر تابعیت زنان ایرانی تا حدودی با اصل ۴۱ ق.ا.ج.ا، در مورد ارادی بودن تغییر تابعیت مغایر به نظر می‌رسد؛ چرا که آزادی تغییر تابعیت محدود شده است، مگر آن که ازدواج را نوعی درخواست تابعیت و تحمیل تابعیت شوهر را نوعی کسب تابعیت تلقی کنیم؛ اما اگر قوانین متبوع شوهر تحمیل تابعیت را پیش بینی ننموده و یا زن را در انتخاب تابعیت شوهر مخیر کرده باشند، زن ایرانی بر اساس سیستم استقلال تابعیت به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر آن که با اراده خود و با ترک تابعیت ایران، تابعیت کشور متبوع شوهر را کسب نماید.

زنان خارجی در صورت ازدواج با مردان ایرانی به تابعیت ایران در خواهند آمد، در این حالت، قانونگذار با پذیرش قطعی زنان خارجی به تابعیت ایران، اصل وحدت تابعیت را بصراحت پذیرفته است. بنابراین در چنین وضعیتی اصل بر وحدت تابعیت زوجین است، مگر آن که

۱. رک: نقل از سخنگوی قوه قضائیه، روزنامه شرق، شماره ۱۸۱، اردیبهشت ۱۳۸۳. این لایحه هنوز به تصویب نهایی قوه قضائیه نرسیده است.

کشور متبوع زن تابعیت اولیه وی را حفظ نماید که در این صورت زن دارای دو تابعیت خواهد گردید. با توجه به حضور بسیاری از ایرانیان در خارج از کشور و ازدواج آنان با زنان خارجی، اعطای تابعیت قطعی و حمایت سیاسی دولت ایران به کسانی که علاقه مندی آنان به ایران شناسایی نشده و شرط لیاقت آنان مورد بررسی قرار نگرفته، تا حدی غیر منطقی و مغایر با اصل ۴۲ ق.ا.ج.ا، به نظر می‌رسد.

در مجموع، پیش بینی بعضی تغییرات در قانون تابعیت ایران (مواد ۹۷۶ الی ۹۹۱ ق.م.)، بویژه در مورد تغییر تابعیت زنان بر اثر ازدواج و تغییر بعضی موارد وحدت تابعیت به تعدد تابعیت در خانواده الزامی به نظر می‌رسد. تغییرات قانونی، در شرایط فعلی، در زمینه ازدواج اتباع ایرانی با اتباع خارجی و بالعکس، وظیفه اطلاع رسانی وزارت امور خارجه و وزارت کشور و سایر مراجع ذیصلاح در خصوص آثار و تبعات چنین ازدواج‌هایی، می‌تواند تا حد زیادی پاسخگوی مشکلات عدیده شهروندان ایرانی در این موارد باشد.

مآخذ

- ۱- آیین نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی مصوب ۱۳۴۵/۷/۶ و اصلاحات بعدی.
- ۲- ارفع‌نیا، بهشید؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد اول و دوم (تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰).
- ۳- الماسی، نجادعلی؛ تعارض قوانین (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸ ش).
- ۴- پروین، فرهاد؛ تقلب نسبت به قانون و دادگاه و تعارض قوانین، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، سال اول و دوم، شماره دوم و سوم، پائیز و زمستان ۱۳۷۹.
- ۵- سلجوقی، محمود؛ بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی (تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰ ش).
- ۶- سلجوقی، محمود؛ حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد اول (تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷ ش).
- ۷- شیخ الاسلامی، سید محمد؛ تقلب نسبت به قانون در حقوق بین‌الملل خصوصی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبائی، سال سوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
- ۸- عامری، جواد؛ حقوق بین‌الملل خصوصی (تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲ ش).
- ۹- عبادی، شیرین؛ حقوق زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران (تهران، چاپ احمدی، ۱۳۸۰ ش).
- ۱۰- عرفانی، محمود؛ حقوق تطبیقی، جلد اول (تهران، چاپخانه صنوبر، ۱۳۶۵ ش).
- ۱۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۲- قانون مدنی.
- ۱۳- محمد نبی، حسین؛ حقوق ایران و اتباع خارجه (تهران، انتشارات کشاورز، بهار ۱۳۸۲ ش).
- ۱۴- مدنی، سیدجلال الدین؛ حقوق بین‌الملل خصوصی (تهران، چاپ احمدی، ۱۳۶۹ ش).
- ۱۵- معتمدی، غلامرضا؛ بشیری، عباس و باقری سعید؛ قوانین و مقررات مربوط به زنان در ایران (تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷ ش).
- ۱۶- نصیری، محمد؛ حقوق بین‌الملل خصوصی (چاپ ششم: تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۸ ش).